MODIRIAT-E-FRDA JOURNAL
ISSN 2228-6047

The foundations of Quranic accountability, a model for evaluating the performance of higher education systems in line with quality assurance: qualitative research

Mahdi Amiri[1] | Jafar Torkzadeh[2] |Mohammad Javad Salmanpour[3]

1. Department of Educational Sciences and Counseling, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: mahdiamiri10@pnu.ac.ir
2. professor of Department of Management and Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shiraz University. Email: djt2891@gmail.com
3. Associate Professor of Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shiraz University. Email:msalman@rose.shirazu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: …..
Revised: …..
Accepted: …..

Keywords:
accountability,
quality assurance,
Quran,
basics,
responsive university.

ABSTRACT

Objective: This research aims to explain the basics of Quranic accountability as a goal and model for evaluating the performance of higher education systems as a social system and guaranteeing the quality of these systems through consideration of theoretical foundations and related Quranic verses. done.

Methodology: In this research, using the cyclical process of qualitative analysis and validating the opinion of academic experts through a semi-structured qualitative interview with a targeted approach of the standard type with 20 university faculty members who are experts and experienced in the field of higher education. and at the same time they were informed about the religious and Quranic foundations.

Conclusion: In this research, the basics of accountability in three cognitive (perceptual, mental), emotional (insight and attitude) and behavioral (practical) areas have been mentioned separately, and it means that some of these basics are related to the area of inner thoughts and mentalities. Part of it is related to attitudes, norms and beliefs, and some of it is related to the field of action and behavior of accountability agents in the administrative system, and these three areas, while being independent and in a way, are the bases of accountability, but each of them is an infrastructure and a foundation for It is the next level, and at the same time, all three areas are closely related. In the Islamic view, due to the emphasis of various verses, the issue of accountability and responsibilities related to it has a special place and includes different temporal, spatial and thematic realms as well as the worldly and the hereafter. Universities and institutions of higher education, as one of the social systems of the society, are not exempted from this rule and must respond to the expectations and expectations of the social and cultural environment in which they are placed, considering that the philosophy and value system of the society It is derived from religious teachings, these systems must be responsive to these requirements.

Originality:

Cite this article: Amiri, Mahdi et al. (1405). The foundations of Quranic accountability, a model for evaluating the performance of higher education systems in line with quality assurance: qualitative research. DOI: 0000000000000000000

نشریه مدیریت فردا
ISSN 2228-6047

مبانی پاسخگویی قرآنی مدلی برای ارزیابی عملکرد سیستم های آموزش عالی در راستای تضمین کیفیت: پژوهش کیفی

مهدی امیری*[1] جعفر ترک زاده[2] محمدجواد سلمانپور[3]

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف تبیین مبانی پاسخگویی قرآنی به عنوان یک چارچوب و مدل برای ارزیابی عملکرد سیستم‌های آموزش عالی به عنوان یک سیستم اجتماعی و در راستای تضمین کیفیت این سیستم‌ها از طریق غور و بررسی در مبانی نظری و آیات قرآنی مرتبط انجام شده است.

ضرورت: پاسخگویی یکی از ارکان اصلی مدیریت در جوامع امروزی است که می‌تواند تصویری از عدالت اجتماعی، برابری، اعتماد و انصاف ارائه دهد و در نگاه اسلامی با عنایت به تأکیدات موکد آیات مختلف، موضوع پاسخگویی و مسئولیت های مرتبط با آن جایگاه ویژه ای دارد و قلمروهای مختلف زمانی، مکانی و موضوعی و همچنین دنیوی و اخروی را در بر می‌گیرد.

روش شناسی: در این پژوهش با بهره‌گیری از فرایند چرخه‌ای تحلیل کیفی و اعتباریابی نظر متخصصان دانشگاهی از طریق مصاحبه کیفی نیمه ساختارمند با رویکرد هدفمند از نوع معیار با ۲۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاهی که متخصص و مجرب در حوزه آموزش عالی بوده و همزمان در خصوص مبانی دینی و قرآنی مطلع بودند انجام شده است.

یافته‌ها: در این پژوهش با بهره¬گیری از مطالعه آیات و تدبُر بر روی آنها با بهره¬گیری از فهرست تفاسیر موضوعی نور و نمونه، ۵۹ مفهوم فراگیر احصاء و سپس این مفاهیم در ذیل ۲۰ مفهوم محوری دسته بندی و در نهایت ۹ مفهوم سازماندهی شده مشتمل بر حق گرایی، باطل گریزی، اطاعت الهی، عدم تکبر، ایمان، عمل صالح، تقوا، موازین الهی و وعده الهی به عنوان مبانی پاسخگویی در سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری به منظور یک چارچوب جهت ارزیابی عملکرد و تحقق تضمین کیفیت به منظور کاربست در سیستم¬های آموزش عالی کشور پیشنهاد شده است.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش، مبانی پاسخگویی در سه حوزه شناختی(ادراکی، ذهنی)، عاطفی(بینشی و نگرشی) و رفتاری(عملی) به تفکیک ذکر گردیده است و به این معناست که برخی از این مبانی مربوط به حوزه تفکرات و ذهنیات درونی، بخشی مربوط به نگرش‌ها، هنجارها و عقاید و برخی مربوط به حوزه عمل و رفتار عاملان پاسخگویی در نظام اداری است و این سه حوزه در عین اینکه مستقل بوده و خود به نوعی مبانی پاسخگویی هستند ولی هر یک زیربنا و شالوده‌ای برای سطح بعد است و در عین حال هر سه حوزه با هم ارتباط معنایی و تنگاتنگی دارند. در نگاه اسلامی با عنایت به تأکیدات موکد آیات مختلف، موضوع پاسخگویی و مسئولیت های مرتبط با آن جایگاه ویژه ای دارد و قلمروهای مختلف زمانی، مکانی و موضوعی و همچنین دنیوی و اخروی را در بر می‌گیرد. دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی نیز به عنوان یکی از سیستم‌های اجتماعی جامعه از این قاعده مستثنی نیستند و باید پاسخگوی انتظارات و توقعات محیط اجتماعی و فرهنگی که در آن قرار گرفته‌اند باشند که با توجه به اینکه فلسفه و نظام ارزشی جامعه برگرفته شده از تعالیم دینی است باید این سیستم‌ها پاسخگوی این اقتضائات باشند.

کلیدواژه‌ها: پاسخگویی، تضمین کیفیت، قرآن، مبانی، دانشگاه پاسخگو

استناد: امیری، مهدی و همکاران (۱۴۰۵). مبانی پاسخگویی قرآنی مدلی برای ارزیابی عملکرد سیستم های آموزش عالی در راستای تضمین کیفیت: پژوهش کیفی.

دریافت مقاله: .....۱۴۰۳/۱۲/۱۲ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰

[1]. گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه پیام نور تهران، ایران. ایمیل: mahdiamiri10@pnu.ac.ir

[2]. استاد تمام بخش مدیریت و برنامه ریزی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شیراز ایمیل: djt2891@gmail.com

[3]. دانشیار بخش علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز ایمیل: msalman@rose.shirazu.ac.ir

مقدمه

وجود سیستم پاسخگویی مناسب به خواسته‌های ذی‌نفعان(درون و برون سازمانی)، از مهمترین معیارهای دستیابی به کیفیت در سازمان‌های امروزی است به طوری که یکی از مهمترین عوامل رقابت بین سازمانی در جوامع امروزی، پاسخگویی به نیازهای این ذی‌نفعان است و هر سازمانی که در امر پاسخگویی موفق‌تر عمل کند، در واقع بقاء خود را تضمین کرده است و لذا مسئولیت‌پذیری اجتماعی سازمان‌ها که اخیراً به مفهوم پاسخگویی اجتماعی[۱]تغییر یافته(هاپکینز[۲] ۲۰۰۴) ایجاب می‌کند که سازمان‌ها پاسخگوی توقعات جامعه در خصوص انتظارات قانونی، اخلاقی و اجتماعی باشند(الوانی و همکاران، ۱۳۹۱) زیرا پاسخگویی اجتماعی سازمانی یک وظیفه مدیریتی در خصوص تصمیمات مدیر و سازمان از منظر اجتماعی است(بارت و همکاران[۳] ۲۰۰۱) و سازمان‌هایی موفق، پایدار و موثر هستند که به موقع به نیازهای محیطی پاسخ دهند و در واقع پاسخگویی ارتباط غیرقابل انکاری با اثربخشی و عملکرد سازمانی دارد(ترک‌زاده و نکومند[۴] ۲۰۱۵: ۲۴۵-۲۴۴).

برخی از محققان معتقدند برای شناسایی و فهم ماهیت اصلی پاسخگویی و درک کارکردهای آن در زمینه و بسترهای مختلف و ارائه یک چارچوب مفهومی شفاف بایستی ذی نفعان گوناگون پاسخگویی را شناخت(برگستینر و آوری[۵] ۲۰۰۸؛ هانبرگر[۶] ۲۰۰۹) در حالی که برخی محققان دیگر پاسخگویی را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند که توسط ذی‌نفعان در یک سیستم شکل می‌گیرد(ابراهیم[۷] ۲۰۰۵)؛ فارغ از اینکه کدام دیدگاه را انتخاب کنیم، پاسخگویی مکانیسم، سازوکار و ابزاری برای سنجش عملکرد و دستیابی به کیفیت هر مؤسسه و سازمانی اعم از آموزشی و غیرآموزشی است و هر سازمانی که در امر پاسخگویی اجتماعی خود به ذی‌نفعان بهتر عمل کند، کیفیت خود را تضمین کرده و همین امر بقای پایدارتر او را در عصر دائم‌التغیر و پیچیده کنونی ممکن می‌سازد.

پاسخگویی یکی از نیازهای اساسی در جهت حفظ کارآمدی دانشگاه‌هاست از این رو که به عنوان ابزاری برای نظارت، پیشگیری از سوء استفاده‌های احتمالی و همچنین ابزاری برای بهبود خدمات دانشگاهی است(عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). پاسخگویی دانشگاه‌ها در حوزه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و سایر کارکردهای آن امروزه به دلیل اینکه بخش قابل توجهی از بودجه آن توسط دولت‌ها و جامعه تأمین می‌شود یک عنصر اساسی در هر جامعه‌ای است.

---

۱. Social Responsibility.

۲. Hopkins.

۳. Barrett et al.

۴. Torkzadeh, Jafar & Nekoomand, Samira

۵. Bergsteiner & Avery

۶. Hanberger

۷. Ebrahim

اصل مسئولیت و پاسخگویی مدیران و کارگزاران در مقابل مردم و ذی‌نفعان، یکی از اصولی است که در آیات متعددی(اسراء، آیه ۳۶؛ قیامت، آیه ۳۶؛ اسراء، آیه ۳۴؛ انبیاء، آیه ۱؛ اعراف، آیه ۶؛ حجر، آیات ۹۳-۹۲و آیه ۷۲ سوره احزاب) بر آن تأکید شده و این نشان‌دهنده اهمیت بیش از پیش پاسخگویی در نظام اسلامی است که با توجه به غنای تعالیم اسلامی در زمینه جهت‌دهی به رفتار در سطوح فردی و اجتماعی و تجربه عمومی موفق آن در شکل دهی و تولید رفتارهای مورد نظر، پرداختن به مقوله پاسخگویی در مباحث حکمرانی و اداره سیستم‌های اجتماعی و بالطبع سازمان‌های آموزشی و نحوه مدیریت مدیران اهمیت دوچندان می‌یابد و لذا از آنجا که پاسخگویی یکی از ارکان اصلی مدیریت دولتی است که می‌تواند تصویری از عدالت، برابری[۱] اعتماد و انصاف[۲]را به ذهن متبادر ساخته و برای بهبود شرایط و اثربخشی مدیریت دولتی(بوونز[۳] ۲۰۰۵: ۱) و همچنین دستیابی به تضمین کیفیت مورد استفاده قرار گیرد و از آنجا که تاکنون در خصوص مفهوم، چیستی، چرایی و ضرورت پاسخگویی و ثانیاً چگونگی این پاسخگویی مبتنی بر قرآن کریم در سازمان‌ها و سیستم‌های اجتماعی جامعه ایرانی- اسلامی و علی الخصوص دانشگاهها و مراکز آموزش عالی یک چارچوب منسجم بومی- اسلامی تدوین نگردیده است و خلاء یک چارچوب مفهومی و بسط مطالعات میدانی متناسب با آموزه‌های اسلامی و بومی مشهود است در این پژوهش یک چارچوب مبتنی بر آموزه‌های قرآنی طراحی و به عنوان مدلی برای ارزیابی عملکرد سیستم‌های آموزش عالی در راستای تحقق تضمین کیفیت این مؤسسات تبیین و اعتباریابی شده است.

۱. مرورادبیات

کات و ماری[۴](۲۰۰۲) پاسخگویی[۵]را اساس اندازه گیری عملکرد، ارزیابی و گزارش‌دهی می‌دانند و اعتقاد دارند که پاسخگویی باید به عنوان ملاکی جهت اندازه گیری عملکرد، گزارش‌دهی و ارزیابی در سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی مورداستفاده قرار گیرند. پاسخگویی، توانایی سازمان برای کسب اطلاعات محیطی و پیش‌بینی تغییرات حاصله و پاسخ به آن و بازیابی خود پس از تغییرات است(آندرسون و لاوری[۶] ۲۰۰۲: ۴؛ یعقوبی و راحت[۷] ۲۰۱۰: ۸۱). پاسخگویی یعنی توانایی شناسایی تغییرات و توانایی پاسخ سریع به آن به دو صورت

۱. Equality
۲. Fairness
۳. Bovens
۴. Cutt &Murry
۵. Accontability, Responsivnes
۶. Andersen,H & Lawrie G
۷. Yaghoubi, & Rahat

تغییرات واکنشی و یا پیش‌کنشی است(خوش‌سیما و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۴۸). پاسخگویی بنا به اظهار نظر لافان[۱](۲۰۰۳: ۷۶۳) نیروی پیش-برنده‌ای است که بر بازیگران کلیدی فشار وارد می‌آورد تا در برابر ارائه عملکرد خوب و اطمینان از آن، احساس مسئولیت کنند. گوردی و رس[۲](۲۰۰۹) معتقدند که پاسخگویی در بخش غیرانتفاعی الزامات متفاوتی از پاسخگویی از بخش تجاری(انتفاعی) دارد زیرا پاسخگویی در سازمان‌های غیرانتفاعی، ماهیت ذاتی این سازمان‌ها است. پاسخگویی از عناصر مهم سازمان‌های غیرانتفاعی است به این دلیل که پاسخگویی در این سازمان‌ها با منافع عموم مردم و ذی‌نفعان متعددی مرتبط است و پاسخگویی چرخه ارتباط این ذی‌نفعان با هیأت مدیره این موسسات و سازمان‌هاست و این ذی‌نفعان، خواستار اطلاعات و منابع این موسسات هستند(کمار الدین و اوزایر[۳] ۲۰۱۹: ۱۸). برخی همچون نیکلسون[۴](۱۹۹۵: ۵) معتقدند که پاسخگویی عبارت است از مسئول ساختن افرادی مشخص، به منظور تضمین انجام وظایف، به موقع و طبق روش‌ها و معیارهای مورد توافق و برخی دیگر همچون رابرتز و اسکاپنز آن را دلیل آوردن و دلیل خواستن برای کارهای انجام شده می-دانند(مونرو و موریتسن[۵] ۱۹۹۶: ۲۲۵).

آنچه که بعد از بررسی تعاریف و دیدگاه‌های مختلف در خصوص پاسخگویی می‌توان بیان کرد این است که مفهوم پاسخگویی در همه جوامع در سازمان‌های بخش دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی مطرح است و دارای سطح انتزاع بالایی بوده و ارائه تعریف مشترک و مورد توافق همه در مورد آن دشوار است(پولیت و هوپ[۶] ۲۰۱۱). لذا هر کسی که بر روی مفهوم پاسخگویی مطالعه می‌کند به خوبی به این امر پی می‌برد که پاسخگویی برای افراد مختلف، معانی متفاوتی دارد(مولگان[۷] ۲۰۰۰: ۵۵۵؛ بن[۸] ۲۰۰۱: ۳۰۶؛ پولیت[۹] ۲۰۰۳: ۸۹؛ دابنیک؛[۱۰] ۲۰۰۵) اما آنچه که همه صاحب نظران در مورد آن اتفاق نظر دارند پیچیدگی، ابهام و وابستگی پاسخگویی به بستر و زمینه، سازمانی مورد بررسی می‌باشد(ابراهیم و ویسبند؛[۱۱] ۲۰۰۷).

---

۱. Laffan
۲. Gourdie & Rees
۳. Kamaruddin & Auzair
۴. Nicholson
۵. Munro &Mouritsen
۶. Pollitt and Hupe
۷. Mulgan
۸. Behn
۹. Pollitt
۱۰. Dubnick
۱۱. Ebrahim & Weisband

در خصوص پاسخگویی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نیز، سیاستگذاران[۱] بیان می کنند که با توجه به کاهش عملکرد تحصیلی، افزایش نرخ مردودی، آمادگی ناکافی برای بازار کار و کیفیت پایین خروجی‌های آموزشی، مدارس در حال بحران[۲] هستند (الاوده و همکاران[۳] ۲۰۱۲) و لذا پاسخگویی دانشگاه به عنوان پاسخ مستقیم به نیاز عمومی برای بهبود نتایج آموزشی مطرح است (سوفولو و همکاران[۴] ۲۰۱۵). از نظر لویله (۲۰۰۵) پاسخگویی در آموزش عالی عبارت است از یک روش منظم و سیستمی برای اطمینان از اینکه کلیه عناصر درون و بیرون از موسسات آموزش عالی در جهت دستیابی به اهداف از قبل تعیین شده قرار دارند (لویله، ۲۰۰۵ به نقل از ترزا اسپاله[۵] ۲۰۱۲) . عوامل زیادی بیان‌کننده پاسخگویی اثربخش دانشگاها و موسسات آموزش عالی هستند از جمله استقلال دانشگاه و آزادی علمی (رمزک[۶] ۲۰۰۰؛ ترزا اسپاله، ۲۰۱۲)، مشارکت ذی‌نفهان دانشگاه (رثچایلد[۷] ۲۰۱۱؛ آلینا ساندو و همکاران[۸] ۲۰۱۴)، تأمین و تخصیص منابع مالی (بورک[۹] ۲۰۰۵)، اساتید دانشگاه و ویژگی‌های مختلف انان (وینستون؛[۱۰] ۲۰۰۷)، ساختار سازمانی (بیوز؛[۱۱] ۲۰۰۵)، مشارکت اساتید و دانشجویان در امور دانشگاه، تعاملات علمی- کاربردی دانشگاه با صنعت و سایر دانشگاه‌ها و بین المللی شدن دانشگاهها و موسسات آموزش عالی (عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۳).

کیفیت، ترکیبی از کارایی، اثربخشی، بهره‌وری، پاسخگویی و نوآوری است(فراستخواه، ۱۳۸۹). پریساکاریو و شاه[۱۲] (۲۰۱۶) کیفیت را مجموع برآیندهای یک دوره در راستای ایجاد سطح خاصی از شایستگی‌های مهارتی همساز با حداقل الزامات و استانداردها قلمداد کرده‌اند. لمایتر[۱۳] (۲۰۰۲) کیفیت را به معنای اجابت سیاست‌های دولت و رعایت قوانین و در نهایت پاسخگویی می‌داند. تضمین کیفیت، سیستم یکپارچه‌ای از فعالیت‌های مدیریت شامل برنامه‌ریزی، اجرا، گزارش‌دهی و بهبود کیفیت برای اطمینان از فرایندها، اجرا، گزارش‌دهی و بهبود کیفیت برای اطمینان از فرایندها، مؤلفه‌ها و یا ارائه انواع کیفیت مورد نیاز و مورد انتظار ذی‌نفعان است(شورای آموزش عالی و جوایز آموزشی

---

۱. Policymakers
۲. Crisis
۳. Aluede
۴. Sofoluwe
۵. Teresa Speziale
۶. Romzek
۷. Rothchild
۸. Alina Sandu
۹. Burke
۱۰. Winston
۱۱. Buese
۱۲. Prisacariu & Shah
۱۳. Lemaitre

ایرلند[۱] ۲۰۱۱). تضمین کیفیت اصطلاحی فراگیر است که به ارزیابی مستمر کیفیت نظام، مؤسسات یا برنامه‌های آموزش عالی مربوط می‌شود و به عنوان سازوکاری نظام‌مند، با تمرکز بر پاسخگویی و بهبود، بر اساس ارائه اطلاعات و داوری در فرایندی منسجم و مبتنی بر معیارهای توافق شده، اغلب به عنوان بخشی از مدیریت کیفیت آموزش عالی در نظر گرفته می‌شود(ولاسینو و همکاران[۲] ۲۰۰۷). تضمین کیفیت به عنوان فلسفه و مجموعه‌ای از اصول کیفیت تعریف شده است که نشان‌دهنده پایه و اساس بهبود مستمر سازمانی است(درگاهی و رضائیان[۳] ۲۰۰۷). نظام تضمین کیفیت به دنبال دستیابی به هدف کمک به دانشگاهها برای تطبیق با تغییراتی همچون تقاضاهای اجتماعی است(ماسارو[۴] ۲۰۱۰). ون دام[۵](۱۹۹۹) و بازرگان[۶](۲۰۰۱) پاسخگویی را یکی از اهداف اصلی تضمین کیفیت می‌دانند. تضمین کیفیت به عنوان سازوکاری نظام‌مند با تمرکز بر پاسخگویی و بهبود بر اساس ارائه اطلاعات و داوری در فرایندی منسجم و مبتنی بر معیارهای توافق شده، به عنوان بخشی از مدیریت کیفیت آموزش عالی در نظر گرفته می‌شود(بهشتی‌راد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۵) و پاسخی به انتظارات و پرسش‌های جامعه و دولت درباره فعالیت و عملکرد آموزش عالی(محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۶) و همچنین پاسخگویی به خواست‌های ذی‌نفعان متعدد آموزش عالی است.

بر اساس آموزه‌های دینی بهترین راه برای ایجاد و توسعه عدالت اجتماعی، گسترش مفهوم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی است(اصغری،۱۳۸۳). زیرا مطابق با آیات الهی و آموزه‌های دینی یک انسان با ایمان نه تنها در این جهان و در برابر صاحبان حق بلکه در جهان دیگر نیز خود را پاسخگو در برابر اعمال خود می‌داند و در آن روز راه مفرّی از اعمال خود و حکومت الهی ندارد(و لا یمکن الفرار من حکومتک[۷]. در اسلام، کارگزاران و حاکمان عالی اسلامی باید نسبت به فعالیت زیردستان و افراد زیرمجموعه خود نظارت و حسابگری دقیق داشته و از آنها در برابر مسئولیت‌های محوله پاسخ بخواهند(فولادی و شفیعی،۱۳۹۷: ۱۹۸). در چارچوب بینش و باورهای اسلامی، پاسخ‌گویی همانا بیان عرفی «انجام تکلیف» است. از این منظر، اصولاً فقه اسلامی بر پایه‌ی دو سویه‌ی «وظیفه - پاسخ» یا «تکلیف - انجام» شکل گرفته و بر مبنای چارچوب پاسخ‌گویی ویژه‌ی خود، نظام‌مند شده است. مؤمنان، از آن رو به تکالیف تقربی و تعاملی خود عمل می‌کنند که در نظام تکوین و تشریع الهی، باید پاسخ‌گوی تمامی لحظات عمر کوتاه و حیات گذرای خود در بارگاه قدس الهی باشند و بتوانند

---

۱. Higher Education and Training Awarding Council Ireland

۲. Vlasceanu et al

۳. Dargahi, M. Rezaiian

۴. Massaro

۵. Van damme

۶. Bazargan

۷. فرازی از دعای کمیل بن زیاد.

کارنامه‌ی موفقی از اعمال و انتخاب اولویت‌های خود در برابر نعمت‌های الهی ارزانی شده به آنها باشند(نبوی، ۱۳۸۳). محمد(۲۰۱۷) بیان می‌دارد که ادبیات پاسخگویی در آموزه‌های اسلامی از رابطه آن با زمینه اجتماعی غفلت کرده‌اند و همچنین فقدان شواهد تجربی که رابطه بین تئوری و عمل را در تحقیقات بررسی کند، مشهود است و علاوه بر این، ادبیات موجود در حوزه پاسخگویی اسلامی بر پاسخگویی عملکردی کوتاه مدت متمرکز است نه پاسخگویی استراتژیک. نگاه اسلام به پاسخگویی مبتنی بر دو موضوع اصلی است. مفهوم توحید(وحدت و یگانگی خداوند) و مفهوم مالکیت الهی(مالی و همکاران[۲] ۲۰۰۳؛ مالی و ناپیر[۳] ۲۰۰۷). کمار الدین و اوزایر(۲۰۱۹) معتقدند که پاسخگویی در اسلام با دو مفهوم امانت و خلیفه الهی ارتباط نزدیک دارد. مالی و همکاران (۲۰۰۶) نیز معتقدند که پاسخگویی در اسلام دو نوع است؛ پاسخگویی به خداوند و پاسخگویی در برابر جامعه. از منظری دیگر، پاسخگویی در اسلام هم پاسخگویی عمودی در برابر خداوند و هم پاسخگویی افقی نسبت به سایر افراد و جامعه را در بر می گیرد. هر دو پاسخگویی برای ایمان یک مسلمان ضروری است(سلیمان[۴] ۲۰۰۵: ۳۱؛ لوئیس[۵] ۲۰۰۶). از نگاه اسلامی باید کنترل و قوانینی برای هدایت رفتارهای شخصی و شغلی برای محافظت از حداقل استانداردها یا بازدارندگی در برابر اقدامات قانونی اعمال شود. به طور کلی در اسلام پاسخگویی نه تنها به ذینفعان بلکه پاسخگویی به خداوند است(بصری و عبدالخالد[۶] ۲۰۱۲: ۳۳).

۲. پیشینهٔ پژوهش

در مفهوم خاص سازمانی به ویژه در حوزه آموزش عالی به عنوان یک زیرسیستم از سیتم‌های اجتماعی، بررسی‌ها و مطالعات پاسخگویی نسبتاً جدید است. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ اثر یا نشانه خاصی از نهضت پاسخگویی در آموزش عالی به چشم نمی‌خورد و فقط گروه‌های منتقد و معترض انتقاداتی از کارکرد مخرب، خنثی و ناکارآمد دانشگاه‌ها و عدم توجه آنها به رسالت‌ها و مأموریت‌های واقعی خود مطرح کردند و از این طریق رهبری و مدیریت دانشگاه‌ها را به چالش کشاندند(لین[۷] ۲۰۰۰). در سال‌های پایانی دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ که همراه با تمرکززدایی در دولت‌ها همراه بود، هدف پاسخگویی دانشگاه‌ها نیز به سمت افزایش بهره‌وری متمایل شد. هم‌اکنون پاسخگویی در آموزش عالی در کشورهای پیشرفته غربی در کانون دیدگاه‌ها و پارادایم‌های جدید آموزش عالی قرار گرفته و ارتقای عملکرد، اطمینان از کیفیت،

۱. Mohamed.
۲. Maali et al
۳. Maali, Bassam and Napier, Christopher
۴. Sulaiman
۵. Lewis
۶. Basri, Hasan and Abdul Khalid, Siti Nabiha
۷. Linn

کسب و حفظ اعتماد عمومی به آموزش عالی، اهداف غایی نظام‌های پاسخگویی دانشگاه‌ها به شمار می‌رود(لینجن فلتر[۱] ۲۰۰۵). در همین زمینه، تحقیقات متعددی در خصوص عوامل مؤثر بر پاسخگویی دانشگاه‌ها انجام شده است از جمله این عوامل عبارتند از: استقلال دانشگاه و آزادی علمی(رمزک، ۲۰۰۰؛ نئاوی[۲] ۲۰۰۱؛ مک‌کومبز[۳] ۲۰۰۳؛ دی، ۲۰۰۶؛ آلینا ساندو و همکاران، ۲۰۱۴؛ تقی‌پور ظهیر و صفایی، ۱۳۸۸)، مشارکت ذی‌نفعان دانشگاه(نئاوی، ۲۰۰۱؛ بورک، ۲۰۰۵؛ رثچایلد، ۲۰۱۱؛ ترزا اسپزیاله، ۲۰۱۲؛ آلینا ساندو و همکاران، ۲۰۱۴)، تأمین و تخصیص منابع مالی(بورک، ۲۰۰۵؛ آلینا ساندو و همکاران، ۲۰۱۴)، اساتید و ویژگی‌های آن‌ها(جانسون[۴] ۲۰۰۶؛ وینستون، ۲۰۰۷) و ساختار سازمانی(نئاوی، ۲۰۰۱؛ بیوز، ۲۰۰۵؛ بونز، ۲۰۰۵). برون[۵](۲۰۱۷) هفت زمینه پاسخگویی آموزش عالی را مشخص کرده است که عبارتند از: سنجش و ارزیابی، اعتباربخشی، تحقیقات نهادی، اثربخشی نهادی، سنجش آموزشی، ارزشیابی آموزشی و سیاست عمومی آموزش عالی. نورالنبی[۶](۲۰۱۸) در پژوهشی در دانشگاه‌های خصوصی بنگلادش از طریق نظرسنجی از دانشجویانی که در ۵۲ دانشگاه خصوصی که در این کشور بودند مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که میزان پاسخگویی در دانشگاه‌ها خیلی ضعیف است و مهمترین علل آن فقدان چارچوب قانونی، کمبود فشار و فساد اداری دولتی بوده است یا سوتکوسکی[۷](۲۰۱۶) که در پژوهشی به بررسی و توضیح مفهوم پاسخگویی از نظر مدیریت دانشگاهی دولتی پرداخته است. در خصوص پاسخگویی دانشگاهها با نگاه به ارزشهای دینی، کاهیاتی و همکاران[۸](۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی مفهوم پاسخگویی دانشگاه اسلامی از منظر ارزشهای اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که پاسخگویی اسلامی متشکل از پاسخگویی قانونی، اقتصادی، اجتماعی و پاسخگویی به خداوند است.

در خصوص پیشینه پژوهش‌های داخلی پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی به خصوص آموزش عالی، شاکری حسین‌آباد(۱۳۹۴) در پژوهشی به طراحی الگوی پاسخگویی اثربخش در دانشگاه‌های دولتی پرداخته و شش مقوله اصلی را به عنوان راهبردهای پاسخگو نمودن دانشگاه‌های دولتی معرفی می‌نماید که عبارتند از: استقلال دانشگاهی(عدم دخالت و تصدی‌گری دولتی، واگذاری اختیارات به دانشگاه، استقلال دانشگاه، آزادی علمی)، ۲. مشارکت(دانشجویان در امور دانشگاه، اساتید در امور دانشگاه، دانشگاهیان در امور جامعه، ذینفعان بیرونی در امور دانشگاه)، ۳. تعاملات علمی- کاربردی(با صنعت، با سایر مؤسسات آموزشی، با سایر بخشها و تعاملات پژوهشی)، ۴. بین‌المللی

---

۱. Lingenfelter
۲. Neave Guy
۳. Mccombs
۴. Johnson
۵. Brown
۶. Nurunnabi
۷. Sułkowski
۸. Cahyati et al

شدن دانشگاه، ۵. کاربردپذیری، ۶. تأمین و تخصیص منابع مالی. کارگر زنجانی و همکاران(۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی نظام پاسخگویی در سیستم دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسید که بین عوامل درون سازمانی و عوامل برون سازمانی در دانشگاه آزاد اسلامی با نظام پاسخگویی آن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. فقیهی و همکاران(۱۳۹۱) به بررسی عوامل تأثیرگذار بر نظام پاسخگویی در دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته و در نهایت مدلی را برای این امر پیشنهاد داده‌اند. در پژوهشی دیگر پرداختچی و همکاران(۱۳۹۱) نشان دادند که از دید جامعه علمی، میزان پاسخگویی بیرونی دانشگاه‌های مادر به ذی‌نفعان بیرونی شامل ذی‌نفعان بازار کار، جامعه علمی و جامعه مدنی ضعیف است یا تقی‌پور ظهیر و صفایی(۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان ارائه مدلی جهت پاسخگویی مدیران آموزش عالی کشور به بررسی این مفهوم در موسسات آموزش عالی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اندکه به منظور ترویج فرهنگ پاسخ‌خواهی و پاسخ‌گویی باید بسترسازی از طریق سازوکارهای اجرایی و عملی صورت گیرد و پاسخگویی به عنوان یک شیوه ارتباطی جهت خلق فرصت‌های جدید مطرح گردد.

۳. شکاف تحقیق و تعریف مسئله

مرور پژوهش‌های انجام شده نشان داد که در حوزه سیستم‌های اجتماعی و یه خصوص آموزش عالی آنچه که انجام شده بیشتر رویکردی توصیفی و مروری و یا رابطه‌ای بوده و مطابق بررسی‌های نگارنده، نظریه‌ای جامع و فراگیر با نگرش اسلامی که قابلیت کاربرد در کلیه سیستم‌های اجتماعی و علی الخصوص آموزش عالی را داشته باشد در این خصوص مشاهده نگردید و اگر تلاش‌هایی صورت گرفته آن هم با نگاه و سبک فرهنگی متفاوتی از آنچه که این تحقیق به دنبال آن است انجام گردیده است و بعضاً از بعد اخلاقی و ارزشی پاسخگویی و تبعات حاصل از آن غفلت شده است و لذا خلاء چارچوب و نظریه‌ای برای انجام پژوهش‌هایی با نگاه اسلامی(قرآنی) در حوزه پاسخگویی آموزش عالی مشهود است. لذا پژوهش حاضر به دنبال کشف و توسعه مبانی مفهومی پاسخگویی مبتنی بر آیات قرآن کریم است نه انطباق الگوها و مدل‌های موجود در حوزه مدیریت با آیات قرآنی و مستندسازی برای این نظریه‌ها. به عبارت دیگر هدف محققان این بوده است که یک چارچوب قرآنی پاسخگویی کشف و تدوین و به عنوان مبنایی برای ارزیابی عملکرد مؤسسات آموزش عالی در راستای تضمین کیفیت آنها، اعتباریابی گردد.

٤. روش شناسی

در این پژوهش ابتدا با استفاده از روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی و با بهره‌گیری از فرایند چرخه‌ای تحلیل و با استفاده از تفاسیر نور و نمونه به گردآوری و تحلیل عمیق پدیده پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی در بافت و زمینه قرآن کریم پرداخته و سپس مبانی پاسخگویی مبتنی بر قرآن کریم در سیستم‌های اجتماعی را توسعه داده است. قلمرو کاوش و بررسی داده‌های این پژوهش کلیه آیات قران کریم می‌باشد.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات بر اساس روش پژوهش کیفی فرایند چرخه‌ای تحلیل -که ابتدا آن را سارانتاکوس(۱۹۹۸) به عنوان یک روش تحلیل کیفی مشتمل بر گردآوری داده‌ها و اطلاعات، تقلیل داده‌ها سازماندهی و تفسیر مطرح و سپس ترک‌زاده(۱۳۸۸) بر اساس تجربه خود در کاربرد این روش در برخی پژوهش‌ها و نیز با نظر به مقتضیات زمینه‌ای و محیطی تولید و توسعه دانش مدیریت اسلامی توسعه داده- بود.

۵. چارچوب پژوهش

در این روش پژوهش کیفی(فرایند چرخه‌ای تحلیل)، با توجه به پربُعد و پربرآیند بودن داده‌ها، نحوه گردآوری اطلاعات در خلال فرایند گردآوری داده‌ها و اطلاعات شکل گرفته است. فرایند گردآوری داده‌ها و اطلاعات در چهار مرحله مختلف، شناسایی زمینه‌ها و منابع اطلاعاتی مرتبط، جستجو و کشف اطلاعات، استخراج و گردآوری اطلاعات و کدگذاری و دسته‌بندی اطلاعات انجام شده است. بدین ترتیب کلیه آیات قرآن کریم به همراه فهرست موضوعی تفسیر نور و نمونه به منظور واکاوی، شناسایی و توسعه یک چارچوب پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی مورد بازخوانی قرار گرفت و سپس آیاتی که بار یا محتوای پاسخگویی داشتند مطالعه و بقیه آیات غیرمرتبط از فرایند چرخه تحلیل کنار گذاشته شد. سپس در تک تک آیات مرتبط، با در نظر گرفتن مفاهیم اساسی پاسخگویی به کشف و گردآوری اطلاعات مدنظر به صورت اکتشافی[۲]و جهت‌مند[۳]پرداخته شد. سپس در فاز دوم پژوهش به منظور بررسی اعتمادپذیری و اعتبارپذیری پژوهش، از روش‌های مرور متخصصان و خودبازبینی محقق طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و بررسی چارچوب و محتوای آن از دیدگاه صاحبنظران استفاده شده است(کرسول[۴] ۲۰۰۷؛ لینکن و گوبا[۵] ۱۹۸۵) بدین صورت که با بهره‌گیری از مصاحبه نیمه ساختاریافته با تعداد ۲۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها به عنوان مشارکت‌کنندگان کلیدی و با رویکرد نمونه‌گیری هدفمند که متخصص و مجرب در حوزه آموزش عالی بوده و همزمان در خصوص مبانی دینی و قرآنی مطلع بودند، اعتبارپذیری این چارچوب توسعه داده شده در دانشگاهها به عنوان یک سیستم اجتماعی را بررسی کرده و این فرایند مصاحبه‌ها تا اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت.

٦. یافته‌های پژوهش

مبانی پاسخگویی مطابق با آیات قرآن برای کاربست در سیستم‌های اجتماعی عقلانی

۱. Sarantakos.

۲. Exploratory

۳. Directed

۴. Creswell

۵. Lincoln, Y., & Guba

از آنجا که عمل پاسخگویی توسط انسان صورت می‌گیرد و حیوانات از این قاعده مستثنی هستند، لذا در یک نگاه مبانی عبارت است از توصیفات و تعاریف مربوط به انسان (مرزوقی، ۱۳۹۵). از نظر لغوی، مبانی عبارت است از بنیان‌ها، پایه‌ها و شالوده‌ها (دهخدا، ۱۳۷۷؛ معین، ۱۳۸۸) و به طور کلی مبانی در هر علمی، باورهای بنیادی هستند که در قالب مجموعه‌ای از قضایا، بخشی از مبادی تصدیقی آن علم را تشکیل داده، اصول موضوعه آن علم شناخته می‌شوند و مسائل آن علم بر آن‌ها استوار هستند (حسن‌زاده آملی به نقل از سبزواری، ۱۴۱۷ ق). آنچه که مسلم است این است که وجود این مبانی برای هر علمی، طبیعی، لازم و مسلم است. در فضای مفهومی این پژوهش می‌توان گفت مبانی پاسخگویی، اولاً پیش‌نیازها، الزامات و پیش‌زمینه‌های پاسخگویی و در ثانی آن نوع از مبانی است که هدایتگر انسان و همچنین سیستم اجتماعی در جهت نیل به سعادت و کمال انسانی و اجتماعی مدنظر دین اسلام است و از جهان‌بینی و معرفت‌شناسی غربی که عمدتاً متکی بر فلسفه مادی‌گرایانه و کسب سود دنیوی هستند، متفاوت می‌باشد. در این پژوهش این مبانی مشتمل بر حق گرایی و وعده الهی به عنوان مبانی ذ**هنی و ادارکی (شناختی)**؛ عدم تکبر، تقوا و ایمان به عنوان مبانی **بینشی و نگرشی (عاطفی)**؛ اطاعت الهی، عمل صالح، موازین الهی و باطل‌گریزی به عنوان مبانی **عملی و رفتاری** شناسایی و تدوین گردیده است که در ادامه، به توضیح مختصر و موجز روند دستیابی به این مبانی پاسخگویی پرداخته شده است.

مرحله اول: گردآوری اطلاعات

در این مرحله از پژوهش، به منظور گردآوری اطلاعات موجود در قرآن کریم پیرامون مفهوم پاسخگوئی، بعد از مطالعه و تدبُر بر روی آنها و همچنین مرور کتب تفسیر نور و نمونه، آیه‌هایی که ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع پاسخگوئی در سیستم‌های اجتماعی و کارکردهای آن داشتند، انتخاب و مورد مداقه و بررسی بیشتر قرار گرفتند. به این ترتیب، پس از مطالعه آیه‌ها، مفاهیم مربوط به هر آیه که ارتباط بیشتری با مفهوم پاسخگوئی داشتند، به طور مجزا و بر اساس حالت اکتشافی و جهت‌مند گردآوری و احصاء گردید، به این معنا که اطلاعات در گستره وسیعی گردآوری و همزمان و به طور مستمر، دسته بندی و کاویده شده‌اند تا به اکتشاف(تشخیص و شناخت) جوانب مختلف مفهوم پاسخگوئی در سیستم‌های اجتماعی منجر گردد. به این ترتیب، پس از مطالعه آیه‌ها، مفاهیم مربوط به هر آیه که ارتباط بیشتری با مبانی پاسخگویی داشتند، به طور مجزا احصا شد که مطابق جدول شماره ۱ در این مرحله ۵۹ مفهوم فراگیر احصاء گردید.

جدول شماره(۱). مفاهیم فراگیر احصاء شده مرتبط با مبانی پاسخگویی در قرآن کریم

حق مردم	نهی از منکر	عدم استکبار	یقین	برائت
حق خداوند	رویگردانی از طغیان گران	عدم طغیان و سرکشی	عدم تردید و دودلی	اسوه حسنه
حق	عدم دوستی با دشمن خداوند	دوری از تکبر	متقین	میزان
اعتصموا بالله	عدم تبعیت از گمراهان و مفسدان و کافران	عدم خودستایی	مومنین	قرآن
حبل الله	تبیعت از الگوهای قرآنی	مهربانی	ایمان	شاهدان و ناظران

تمسک	پیروی از ولایت، وحی و قرآن و دستورات الهی	نیکی به والدین	عمل صالح	راه راست
حکم الله	انتخاب سرپرست و ولی مومن	عدم بخل	صالحین	بهشت
قصاص	اطاعت از خدا و پیامبر	خضوع	تقوا	قرب الهی
حدود الله	اجرای فرامین الهی	خشوع	خشیت	وعده الهی
رویگردانی از مشرکان	تسلیم امر الهی بودن	تواضع	خوف	بخشایش
عدم پیروی از شیطان	دوستان خداوند	دوری از منت نهادن	انذار	شفاعت
قاعده نفی سبیل	یاران خداوند	نفس مطمئن	ترس از عذاب آخرت	-

مرحله دوم: تقلیل احیاگرانه داده‌ها

سپس در مرحله بعد تلاش گردید که ۵۹ کد گردآوری شده مرحله قبل را که دارای قرابت محتوایی بودند در ذیل یک عنوان مشترک(کدمحوری/ اطلاعات معنادار) که به نوعی دربرگیرنده یا پوشش‌دهنده داده‌های کیفی دسته مربوطه می‌باشند، کدگذاری یا دسته-بندی شوند. منظور از قرابت محتوایی، نزدیکی مقوله‌ها از لحاظ مفهوم، همجنسی یا هم‌خانواده بودن آنها و یا قرار گرفتن آنها در یک مجموعه یا خط سیر مفهومی منطقی است. بر این اساس مفاهیم فراگیر احصاشده در مرحله قبل، در ذیل ۲۰ مفهوم محوری دسته بندی و مفهوم‌سازی شده‌اند که شرح آنها در جدول شماره ۲ آمده است.

مرحله سوم: سازماندهی و تحلیل اطلاعات

در نهایت با ترکیب اطلاعات و شناخت حاصل از دو مرحله پیش(گردآوری اطلاعات و تقلیل احیاگرانه داده‌ها)، به سازماندهی،تحلیل، جمع‌بندی و طبقه‌بندی نهایی اطلاعات کیفی گردآوری شده از قرآن کریم در دو مرحله مفاهیم سازماندهی شده مرحله ۱(سطح ۱) و مرحله ۲(سطح ۲) پرداخته شد و تلاش گردید تا اطلاعات کدگذاری شده در مرحله قبل در کدهای معنادارتری قرار داده شود تا هم درک این مفهوم برای خواننده سریع‌تر اتفاق بیافتد و هم امکان مقایسه سریع‌تر بین مبانی پاسخگویی از دیدگاه قرآن کریم و سایر متون و منابع فراهم آید(جدول شماره ۲).

مرحله چهارم: فراسازماندهی

در نهایت در مرحله چهارم، مفاهیم سازماندهی شده مرحله قبل به منظور دستیابی به محورهای اساسی مفهوم پاسخگویی، سازماندهی مجدد گردید بدین معنا که اطلاعات سازماندهی شده با عنایت به ماهیت و کارکردی که می‌توانستند در یک نظام پاسخگویی ایفا نمایند جمع‌بندی و در طبقات معین‌تر و مشخص‌تر، طبقه‌بندی گردید و بدین سان مفاهیم سازماندهی شده سطح اول فراوری مجدد گردید و منجر

به شکل‌گیری طبقه‌بندی نهایی مبانی پاسخگویی مبتنی بر قرآن کریم در سه حوزه شناختی(ادراکی- ذهنی)، عاطفی(بینشی- نگرشی) و رفتاری(عملی) گردید(جدول شماره ۲).

جدول شماره(۲). مبانی پاسخگویی مستخرج از آیات قرآن کریم

مفاهیم سازماندهی سطح ۲(مبانی)	مفاهیم سازماندهی سطح ۱	مفاهیم محوری	مفاهیم پایه
ذهنی و ادراکی (شناختی)	حق گرایی	حق	۱- حق مردم. ۲- حق خداوند. ۳- حق
		حق گرایی	۱- اعتصموا بالله. ۲- حبل الله. ۳- تمسک. ۴- حکم الله. ۵- قصاص . ۶- حدود الله.
	وعده الهی	تقرب الهی	۱- بهشت. ۲- قرب الهی. ۳- وعده الهی
		بخشایش الهی	۱- بخشایش. ۲- شفاعت
بینشی و نگرشی (عاطفی)	عدم تکبر	عدم تکبر	۱- عدم استکبار. ۲- عدم طغیان و سرکشی. ۳- دوری از تکبر. ۴- عدم خودستایی
		عطوفت	۱- مهربانی. ۲- نیکی به والدین
		فروتنی	۱- عدم بخل. ۲- خضوع. ۳- خشوع. ۴- تواضع
		عدم منت گذاری	دوری از منت‌گذاری
	تقوا	تقوا	تقوا
		خشیت الهی	۱- خشیت.۲- خوف. ۳- انذار. ۴- ترس از عذاب آخر
	ایمان	یقین	۱- نفس مطمئن. ۲- یقین. ۳- عدم تردید و دودلی. ۴- متقین
		ایمان	۱- ایمان. ۲- مومنین
عملی و رفتاری	اطاعت الهی	ولایت پذیری	۱- پیروی از ولایت، وحی و قرآن و دستورات الهی. ۲- انتخاب سرپرست و ولی مومن. ۳- اطاعت از خدا و پیامبر
		اطاعت الهی	۱- اجرای فرامین الهی. ۲- تسلیم امر الهی بودن
		موالی	۱- دوستان خداوند. ۲- یاران خداوند
	عمل صالح	عمل صالح	۱- عمل صالح. ۲- صالحین.
	موازین الهی	اسوه حسنه	۱- تبعیت از الگوهای قرآنی(ابراهیم و ...). ۲- اسوه حسنه
		میزان	۱- میزان. ۲- قرآن. ۳- شاهدان و ناظران. ۴- راه راست
	باطل گریزی	باطل گریزی	۱- رویگردانی از مشرکان. ۲- عدم پیروی از شیطان. ۳- قاعده نفی سبیل. ۴- نهی از منکر. ۵-رویگردانی از طغیان گران
		برائت	۱- عدم دوستی با دشمن خداوند. ۲- عدم تبعیت از گمراهان و مفسدان و کافران. ۳- برائت

همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می گردد، این مبانی پاسخگویی در سه حوزه شناختی(ادراکی، ذهنی)، عاطفی(بینشی و نگرشی) و رفتاری(عملی) به تفکیک ذکر گردیده است و به این معناست که برخی از این مبانی مربوط به حوزه تفکرات و ذهنیات درونی، بخشی مربوط به نگرش‌ها، هنجارها و عقاید و برخی مربوط به حوزه عمل و رفتار عاملان پاسخگویی در نظام اداری است و این سه حوزه در عین اینکه مستقل بوده و خود به نوعی مبانی پاسخگویی هستند ولی هر یک زیربنا و شالوده‌ای برای سطح بعد است و در عین حال هر سه حوزه با هم ارتباط معنایی و تنگاتنگی دارند.

در نهایت جهت اعتباریابی چارچوب مفهومی پاسخگویی توسعه یافته در فاز اول پژوهش(فاز کیفی)، بررسی پاسخ صاحب‌نظران کلیدی و معیار به چارچوب مفهومی توسعه یافته، نشان داد که چارچوب مذکور از لحاظ اعتبارپذیری(قابلیت اعتبار)[۱]و اتکاءپذیری(قابلیت اتکاء)[۲] مورد تأیید کلی است و از روایی لازم برخوردار می‌باشد. بدین منظور، چارچوب مفهومی به دست آمده در فاز اول پژوهش در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و اعضای هیأت علمی ضمن تأیید کلیت چارچوب به دست آمده، نقطه نظرات، پیشنهادات و اصلاحاتی را ارائه دادند که در تصحیح و جمع‌بندی نهایی چارچوب مد نظر قرار گرفت.

۷. تحلیل یافته ها

در پژوهش حاضر تلاش شده است در یک گستره وسیع، پربُعد و پربرآیند، و در یک فضای مفهومی نسبتاً گسترده به بررسی موضوع پرداخته شود. در این راستا بر مبنای روشی جدید(فرایند چرخه‌ای تحلیل) کوشیده شده است تا موارد و مصادیق متعدد مرتبط با مبانی پاسخگویی در آیات نورانی قرآن کریم بررسی و تحلیل شده و با طی کردن مسیر پیش‌رونده روش تحلیل مورد ذکر، چارچوب مفهومی به دست آید.

بر این اساس در خصوص مبانی پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی ۵۹ مفهوم فراگیر احصاء گردید و سپس در مرحله بعد این کدهای اولیه ذیل ۲۰ کد محوری؛ دسته بندی و مفهوم‌سازی گردیدند و در نهایت با ترکیب اطلاعات و شناخت حاصل از دو مرحله پیش و در دو مرحله سازماندهی اولیه و ثانویه، ۹ مفهوم مشتمل بر: حق گرایی، باطل گریزی، اطاعت الهی، عدم تکبر، ایمان، عمل صالح، تقوا، موازین الهی و وعده الهی به عنوان مبانی پاسخگویی در سه حوزه شناختی(ادراکی، ذهنی)، عاطفی(بینشی و نگرشی) و رفتاری(عملی) سازماندهی گردید که در ادامه، به توضیح مختصر و موجز هر یک از موارد و ارتباط آنها با پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی پرداخته شده است.

۱. credibility

۲. Dependability

حق‌گرایی و حق محوری در قرآن کریم گاهی به معنای صفتی برای خداوند متعال به کار رفته و این بدان سبب است که خداوند حق است(حج، ۶۲) و گاهی به معنای انجام فعل حکیمانه و دوری از لهو و لعب و عبث در افعال الهی است(روم، ۸). با توجه به مصادیق این مفهوم که در این پژوهش شامل حق، حق مردم، حق خداوند، اعتصموا بالله، حبل الله، تمسک، حکم الله، قصاص و حدود الله به کار رفته است افرادی که در سیستم‌های اجتماعی و اداری و به خصوص مراکز آموزش عالی دارای مسئولیتی می‌شوند با توجه به مفهومی از حق که به دوری از کارهای عبث و بیهوده اشاره دارد باید نسبت به این امر اهتمام ورزیده و تمسک به حق و حدود الهی را در آن منصبی که به کار گمارده شده‌اند رعایت نموده و با وحدت، چنگ زدن، و تمسک به ریسمان الهی(آل عمران، آیه ۱۰۳) در مسیر پاسخگویی صحیح نسبت به انجام تکالیف محوله گام بردارند؛ لذا حق‌گرایی و گرایش به حق و حقیقت به عنوان مبنایی اساسی برای پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی و دانشگاهها به عنوان یک خرده سیستم اجتماعی مطرح است و سیستمی که حق‌محور عمل نماید و حدود الهی را نسبت به ذی‌نفعان متعدد رعایت کند، در عمل در مسیر الهی گام برخواهد داشت و این همان حق‌گرایی است.

در خصوص **وعده الهی** به عنوان مبنایی برای پاسخگویی باید چنین گفت که، خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم به انحاء مختلف درصدد ترغیب انسانهای مومن(توبه، ۷۲) و متقی(آل عمران، ۱۹۸) به انجام اعمال نیک و پاسخگویی به دستورات خود از طریق مکانیسم‌هایی همچون؛ دادن وعده بهشت(فجر، ۳۰؛ الرحمن، ۵۴) و شفاعت شفعات‌کنندگان(سبأ، ۲۳) است و از آنجا که خداوند خلف وعده نمی‌کند(روم، ۶) مقربان را به جایگاهی خاص در پیشگاه خود(مطففین، ۲۱ و ۲۸؛ واقعه، ۱۱) رهنمون می‌کند که اینها همه نشان‌دهنده اهمیت پاسخگویی به دستورات الهی است. از طرف دیگر خداوند، بخشایش خود را نیز به عنوان یکی دیگر از موارد وعده‌های خود ذکر کرده است(نساء، ۹۹؛ مائده، ۹). بنابراین، وعده الهی می‌تواند به عنوان سرمشقی برای پاسخگویی کارگزاران در سیستم‌های اجتماعی و به خصوص مراکز دانشگاهی مد نظر قرار گرفته و مبنایی برای این امر قرار گیرد.

قرآن کریم در آیات متعددی، انسان را به **دور از تکبر و خودستایی** در برابر خودش فرمان داده«تنها کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند که هر وقت این آیات به آنان یادآوری شود به سجده می‌افتند و تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می‌آورند، و تکبّر نمی‌کنند»(سجده، ۱۵) و یادآور می‌شود که اینها طغیان و سرکشی نمی‌کنند(انعام، ۱۴۵)؛ با توجه به این آیات می‌توان چنین استناد کرد هرگاه مسئولی و مدیر بالادستی دستوری را که صحیح و مطابق با موازین منطقی تدوین شده و مصالح زیردستان نیز در آن لحاظ گردیده می‌دهد، ذی‌نفعان موظف به اجرای آن بوده و نباید از آن استنکاف نمایند. همچنین مطابق با بعضی آیات دیگر(شعراء، ۲۱۵؛ حجر، ۸۸) مقام مسئول نیز باید نسبت به زیردستان خضوع و خشوع داشته و با آنها از در مهربانی و عطوفت برخورد نماید و اینکه اعمال نیک خود را با منت نهادن، تضییع ننماید(بقره، ۲۶۴). بنابراین، می‌توان چنین گفت که با توجه مبنای عدم تکبر، پاسخگویی صحیح مطابق با معیارهای الهی در یک سیستم دانشگاهی زمانی اتفاق می‌افتد که طرفین پاسخگو و پاسخ‌خواه، هر دو این مبنای فکری را مدنظر داشته باشند.

قرآن **تقوا** را شرط نجات از آتش جهنم(زمر، ۶۱) و قبولی اعمال دانسته(محمد، ۳۶) که موجب نزول برکات بر شخص و رهایی او از گرفتاری‌ها در دنیا می‌شود. توصیه به تقوا در آیات بسیاری از قرآن کریم تکرار شده است، اما دو آیه از نظر تأکید و وسعت و شمول حکم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند: آیه ۱۰۲ سوره آل عمران، مؤمنان را به تقوای خداوند، آنگونه که حقِ تقوای اوست، توصیه کرده است: «... اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقاتِه»، و آیه ۱۶ سوره تغابن، به مؤمنان امر کرده تا جایی که می‌توانند تقوا بورزند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَااسْتَطَعْتُمْ». همچنین در وصف خشیت مومنان توصیه شده که «آن کس که از خداوند رحمان در نهان بترسد و با قلبی پُرانابه در محضر او حاضر شود!»(ق، ۳۳). بنابراین داشتن تقوای الهی در نهان و آشکار باعث می‌گردد که افراد در موقعیت‌های اجتماعی مختلف(آنجا که نظارت بیرونی هست و یا آنجا که نظارت بیرونی وجود ندارد) و به خصوص در مراوادت با ارباب رجوع خود را پاسخگو دانسته و بنا به دلایل ترس از عذاب الهی و یا بنا به دلیل خوف و خشیت الهی، حقوق ذی‌نفعان را رعایت نموده و خود را پاسخگوی آنها بدانند.

در اهمیت **ایمان** به عنوان مبنایی برای پاسخگویی، همین بس که قرآن، پذیرش اعمال را در گرو ایمان دانسته است«و هر کس چیزی از اعمال شایسته بجا آورد، در حالی که ایمان داشته باشد، کوشش او ناسپاسی نخواهد شد؛ و ما تمام اعمال او را (برای پاداش) می‌نویسیم»(انبیاء، ۹۴). در قرآن کریم، مصادیقی مختلفی برای ایمان بیان شده است؛ از جمله ایمان به خدا(بقره، آیه ۲۵۶ و ۱۸۶؛ آل عمران، آیه ۵۲، ۱۱۰، ۱۹۳؛ نساء، آیه ۱۷۵) ایمان به پیامبران(آل عمران، آیه ۱۷۹؛ حدید، آیه ۱۹؛ بقره، آیه ۱۷۷؛ نساء، آیه ۱۳۶) ایمان به آنچه از سوی خداوند بر پیامبران نازل شده است؛ مانند کتاب‌های آسمانی(بقره، آیه ۱۳۶؛ نساء، آیه ۱۶۲) ایمان به روز قیامت(بقره، آیات ۶۲، ۸، ۱۲۶، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۶۴)، ایمان به فرشتگان(بقره، آیه ۲۸۵ و ۱۷۷) و ایمان به غیب(بقره، آیه ۴). همچنین آیاتی را که به موضوع ایمان پرداخته است، می‌توان در چند گروه دسته‌بندی کرد: در برخی از آیات، ضرورت ایمان و نقش آن را در حیات دنیوی و اخروی متذکر شده(نساء، ۱۷۳؛ توبه، ۲۰؛ حدید، ۷)، دسته‌ای دیگر ویژگیهای مؤمنان را بازگو کرده (مؤمنون،۱- ۹؛ انفال،۲- ۴) و شماری از آیات نیز به پیامدهای بی‌ایمانی پرداخته است(حجّ،۱۹؛ روم، ۱۶). آنچه که مسلم است این است که طبق آموزه‌های دینی و قرآنی، افراد با ایمان، اعتقادی راسخ‌تر و باوری عمیق‌تر نسبت به پاسخگویی به ارباب رجوع و ذی‌نفعان داشته و این پاسخگویی به نوعی با اعتقاد آنها در آمیخته است؛ چرا که این افراد خود را در پیشگاه الهی ملاحظه کرده و با ناظر به این امر سعی دارند تا پاسخگوی اقدامات و وظایف محوله خود باشند چرا که یکی از نشانه‌های ایمان و در واقع نمود بیرونی ایمان، عمل به آن چیزی است که انسان قلباً آن را تصدیق کرده است. بنابراین اگر ایمان در نهاد کسی رسوخ نکرده باشد به هیچ وجه در موقعیت‌های مختلف اجتماعی و سازمانی، خود را پاسخگوی اعمال خود نخواهد دانست.

در جهان‌بینی قرآنی، **اطاعت‌پذیری و انقیاد** تنها در برابر خداوند و یا کسی است که خداوند امر به اطاعت از او کرده است(یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ[1]) و این اطاعت در طول اطاعت الهی است(شریعتی و کاظمی، ۱۳۹۵: ۴۲) لذا در

[1]. نساء، ۵۹

آموزه‌های قرآنی، اطاعت‌پذیری از غیرخدا ممنوع و بیان داشته شده است که تمامی موجودات چه از روی طوع(اختیار) و طبق قوانین تشریعی و چه کره(بی‌اختیار) و طبق قوانین تکوینی، تسلیم فرمان او هستند(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۶۳۴). بدیهی است که اطاعت در حوزه رفتار ارادی موجوداتی انتخابگر مانند انسان معنا می‌یابد(ر.ک مصباح، ۱۳۷۹: ۲۳) و زمانی تحقق می‌یابد که مبتنی بر ایمان و توحید نظری به خداوند باشد و ضمانت پایداری آن همراه با پروای الهی است(شریعتی و کاظمی، ۱۳۹۵: ۶۰). انتخاب سرپرست و ولی مومن در جهت اطاعت الهی نیز امری است که در بعضی آیات قرآنی به آن اشاره شده و مومنین را از گرفتن سرپرست کافر نهی کرده است«افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند»(آل عمران، ۲۸) و بیان می‌کند که دوستان و یاران خداوند در راه پاسخگویی و اطاعت الهی نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند(یونس، ۶۲) چرا که این وعده الهی است که یاوران الهی را تأیید و نصرت و پیروزی عنایت فرماید(صف، ۱۴) چرا که آنها در راه اطاعت الهی، تسلیم و فرمانبردار امر او بودند(فصلت، ۳۳). با توجه به آنچه که گفته شد، سیستم‌های اجتماعی و علی الخصوص دانشگاهها و مراکز آموزش عالی نیز باید با الهام از این مبانی فکری و عقیدتی، افرادی را مسئول و سرپرست مدیریت امور خود نمایند که اعتقاد به ولایت الهی و اطاعت از دستورات او را سرلوحه اجرای امور خود نمایند. از طرف دیگر، عمل پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی با توجه به مبانی فکری و عقیدتی فوق، می‌تواند به بهترین وجه رخ دهد؛ همچنین، سیستمی که اطاعت الهی را سرلوحه خویش قرار دهد به بهترین وجه پاسخگوی اقدامات و فعالیت‌های خویش است چرا که هر گونه پنهان‌کاری و عدم شفافیت را مخالف با پاسخگویی منطقی و اقناع افکار عمومی دانسته و معتقد است که عدم پاسخگویی منجر به فساد اداری، رانت و زمینه سوء استفاده را فراهم می‌آورد.

از اولین آثار **عمل صالح**، نتیجه و سود آن عمل به خود فرد است«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ»(روم، ۴۴) همچنین از دیگر آثار عمل صالح طبق آیات قرآنی عبارتند از: جنت الهی(مریم، ۶۰)، فلاح و رستگاری(قصص، ۶۷)، آمرزش و بخشش گناهان(تغابن، ۹)، حیات طیبه(نحل، ۹۷)، هدایت الهی(یونس، ۹)، عدم خوف و حزن از غیر خدا(مائده، ۶۹)، برتری بر تمام آفریده‌های الهی(بینه، ۷)، زندگی پاکیزه و عاقبت به خیری(رعد، ۲۹)، محبوبیت در دلهای مردم(مریم، ۹۶)، خلافت و جانشینی در زمین(نور، ۵۵) و تبدیل سیئات به حسنات(فرقان، ۷۰). عمل صالح ضد فساد و مقابل آن قرار می‌گیرد، پاسخگویی نیز نقش اساسی در کاهش فساد و افزایش شفافیت می‌تواند داشته باشد، لذا رابطه تنگاتنگی بین عمل صالح و پاسخگویی حقیقی در قبال وظایف محوله وجود دارد و همچنین با توجه به نقش و آثار عمل صالح در زندگی دنیوی و اخروی می‌توان چنین گفت که پاسخگویی به ذی‌نفعان و کسانی که مسئولیت در برابر آنها به فرد مسئول واگذار گردیده، نیز می‌تواند واجد، نتایج و اثرات دنیوی و اخروی باشد که از جمله آنها محبوبیت و کسب وجه اجتماعی در میان مردم است« سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»[1]. نکته دیگر اینکه همان‌طور که در بسیاری از آیات قرآن کریم ایمان با عمل صالح توأمان ذکر گردیده، در خصوص پاسخگویی

[1]. سوره مریم، آیه ۹۶.

نیز به عنوان یک عمل صالح، باید نیت و اعتقاد قلبی به انجام صحیح وظایف محوله نسبت به زیردستان، سرلوحه عمل پاسخگویی فرد مسئول قرار گیرد. لذا می‌توان بیان کرد که عمل صالح می‌تواند به عنوان مبنایی برای پاسخگویی در سیستم دانشگاهی در نظر گرفته شود.

خداوند باری تعالی برای اینکه زندگی و نحوه تعاملات انسان در مسیر صحیح و الهی پیش برود، **معیارها و موازینی** را برای انسان مشخص کرده است تا بتواند با بهره‌گیری از این مصادیق، فلاح و رستگاری خویش را رقم بزند. یکی از این موازین که در قرآن به آن اشاره گردیده عبارت است از بهره‌گیری و تبعیت از سیره و سلوک رسل الهی از قبیل؛ پیامبر اکرم(ص)« لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»(احزاب، ۲۱)، ابراهیم« قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ»(ممتحنه، ۴)، نوح و موسی و... که تعبیر قرآن از این موارد به اسوه حسنه است. همچنین قرآن کریم در موارد دیگری نیز موازینی را برای پیشگیری از خبط و خطای انسان معین کرده است از جمله خود قرآن کریم را به عنوان عاملی برای بشارت و انذار معرفی می‌کند«وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ»(انعام، ۹۲) و می‌فرماید که این فرقان(جدا کننده حق از باطل) خواهد بود(أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ»(بقره، ۱۸۵). قرآن، پیامبران را به عنوان موازین و شاهدان اعمال انسان معرفی کرده و می‌فرماید: «روزی که از میان هر قوم و امتی شاهدی از خودشان بر می‌انگیزیم»(نحل، ۸۹) و خود پیامبر اکرم(ص) را شاهد بر همه انبیاء می‌داند« وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ»(نحل، ۸۹)، «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا»(احزاب، ۴۵) و نیز ائمه معصومین را نیز به عنوان شاهد معرفی می‌کند «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»(بقره،۱۴۳). علاوه بر این، در بعضی آیات دیگر قرآن، مواردی همچون فرشتگان(ق، ۲۱)، زمین(زلزال، ۴)، وجدان انسان(اسراء، ۱۴)، اعضا و جوارح انسان(نور، ۲۴) و نمود و تجسم اخروی عمل(کهف، ۴۹) نیز به عنوان شاهدان و ناظران اعمال انسان ذکر شده است و در نهایت باید ذکر کرد که «خداوند بر همه چیز گواه است»(حج، ۱۷) و قرآن این شاهد بودن را ورای همه این شاهدان کافی می‌داند« وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا»(نساء، ۷۹). با توجه با آنچه که به عنوان الگوهای حسنه و شاهدان و ناظران، ذیل مفهوم موازین الهی مطرح گردید و نسبت آن با مفهوم پاسخگویی، می‌توان چنین بیان کرد که انسان در همه حال و در همه زمان و مکانی به نوعی باید پاسخگوی اعمال، رفتار و کردار خود باشد و این طرز تفکر باعث می‌شود که در تعاملات اجتماعی و به خصوص موقعیت‌هایی که عملش تبعات اجتماعی نسبت به دیگران دارد، مراعات بیشتری داشته و بیش از پیش خود را مسئول بداند.

قرآن واژه **باطل** را در مناسبت‌های گوناگونی به کار برده است؛ در مواردی به تقابل حق و باطل به‌طور مطلق اشاره کرده و باطل را نابود شونده:«جاءَ الحَقُّ و زَهَقَ البطِلُ انَّ البطِلَ كانَ زَهوقا»[1] دانسته، در مواردی نیز مصادیقی از این دو مفهوم را بیان کرده است. خداوند در سوره نساء آیه ۸۱ رویگردانی از مشرکان را به عنوان نماد باطل توصیه کرده و بیان کرده است که از آنها پیروی ننماید چرا که آنها دشمنی آشکار برای شما هستند(انعام، ۱۴۲؛ اعراف، ۲۲) و کسانی را که بعد از پیمان بستن، از حق روی بر می‌تابند، مصداق فاسقان می‌داند(آل عمران، ۸۲).

[1]. اسراناء، ۸۱.

همچنین خداوند در آیات بسیاری(مائده، ۵۱ و ۵۷؛ ممتحنه، ۹ و ۱، مجادله، ۲۲) به مومنان توصیه می‌کند که دشمنان من و دشمنان خودتان را به عنوان دوست خود مگیرید و مصداق آن را کسانی می‌داند که دین شما را وسیله ریشخند و بازیچه خودشان قرار می‌دهند و به برائت از آنها توصیه کرده است(زخرف، ۲۶؛ یونس، ۴۱؛ توبه، ۱۱۴). مطابق با آموزه‌های قرآنی و دینی، باطل را مصداق پاسخگویی غلط دانسته و بیان می‌کند که گرایش به سمت باطل، قدرت و جرأت پاسخگویی را در انسان کاهش می‌دهد و از نظر عقیدتی و سطح اطمینان قلبی، فرد را در موقعیتی قرار می‌دهد که اعتماد و اتکاء به نفس او را مستهلک می‌کند؛ لذا برائت و بی‌زاری از باطل و نمودهای آن، زمینه پاسخگویی صحیح را در فرد پرورش داده و مکانیسم‌هایی را در فرد متکی به حق به وجود می‌آورد تا بتواند حق را از باطل تمیز و تشخیص دهد. لذا باطل گریزی و دوری از باطل به عنوان یکی از مبانی اساسی پاسخگویی در چارچوب مفهومی پژوهش، نقش دارد.

در نهایت با توجه به آنچه که ذکر گردید، می‌توان چنین گفت که ابتناء به این مبانی اعتقادی و قرآنی در حوزه پاسخگویی، علاوه بر کسب پاداش‌های اخروی، زمینه دستیابی به پیامدهای مثبت اجتماعی از جمله تضمین کیفیت سیستم‌های دانشگاهی از طریق ارزیابی مستمر عملکرد آنها در پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان در نظام آموزش عالی کشور فراهم خواهد گشت به این معنا که تک تک افرادی که در مناصب مختلف سیستم‌های اجتماعی از جمله آموزش عالی مشغول به کار و خدمت هستند با در نظر داشتن حق محوری و رعایت همزمان هم حقوق عامه مردم و هم حقوق الهی و عدم تعدی از این حقوق و تمسک به آیات الهی، باطل گریزی به معنای اعراض و برائت از قواعدی که در امور اداری و حکمرانی منجر به تسلط تفکر شرک‌آلود در امور می‌گردد، پیروی از خداوند و دستورات الهی در زمینه انجام وظایف محوله، عطوفت و مهربانی در برخورد با ارباب رجوع و همچنین دوری از منت نهادن در برخورد با مشتریان سازمان و دانشگاه، ایمان و اعتقاد قلبی و رعایت آن در عمل، رعایت تقوا و خشیت الهی و عدم هراس از غیر، در نظر گرفتن موازین الهی در هنگام انجام امور و همچنین رعایت حدود و فرامین الهی در انجام مسئولیت‌ها و تکالیف اداری محوله خویش مطابق با آنچه که دین و قرآن بیان داشته و احساس مسئولیت در پیشگاه الهی و مردم، زمینه ترویج و توسعه الگوی حکمرانی الهی را در نظام اداری و آموزشی کشور فراهم آورند، که نتیجه‌اش افزایش اعتماد و رضایتمندی عمومی مردم از دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف آموزشی و دانشگاهی و کاهش فساد اداری و اخلاقی در حوزه‌های مختلف سازمانی و درنتیجه افزایش کارآمدی، اثربخشی و در نهایت سلامت سازمانی نظام دانشگاهی کشور است.

نتیجه گیری

پاسخگویی یکی از ارکان اصلی مدیریت در جوامع امروزی است که می‌تواند تصویری از عدالت اجتماعی، برابری، اعتماد و انصاف ارائه دهد و در نگاه اسلامی با عنایت به تأکیدات موکد آیات مختلف، موضوع پاسخگویی و مسئولیت های مرتبط با آن جایگاه ویژه ای دارد و قلمروهای مختلف زمانی، مکانی و موضوعی و همچنین دنیوی و اخروی را در بر می‌گیرد. در آموزه‌های اسلامی، مسأله پاسخگویی، با

مقوله‌هایی همچون؛ مسئولیت، اخلاق، امانت، مشروعیت و حکمرانی رابطه تنگاتنگ و درهم‌تنیده‌ای داشته و پاسخگویی به نوعی انجام تکالیف شرعی است که خداوند بر عهده انسان نهاده است و هیچ فرد و نهادی از این مسأله پاسخگویی استثنا نشده است.[۱]

پاسخگویی دانشگاه‌ها امروزه یک مسئولیت اجتماعی است و این امر یعنی پاسخگویی به مسائل فرهنگی جامعه را نیز شامل می‌شود نه صرفاً پاسخگویی به بازار و تقاضاهای آن (کارگر زنجانی و همکاران، ۱۳۹۱). ازآنجا که دانشگاه‌ها به عنوان یک نهاد از منابع عمومی، کمک‌های خصوصی داوطلبانه، شهریه‌ها دانشجویی و سایر منابع استفاده می‌کنند لذا این انتظار از آنها وجود دارد که پاسخگوی انتظارات و مسائل عمومی جامعه باشند (فراستخواه، ۱۳۷۷). آنچه که در خصوص پاسخگویی در دانشگاه و دانشگاه پاسخگو می‌توان **جمع‌بندی** کرد این است که پاسخگویی به محیط و نیازهای آن به عنوان مهم‌ترین ابزار دستیابی به توسعه و پیشرفت است (عباسی و همکاران،[۲] ۱۳۹۲) و به زعم اسکات،[۳] مسأله اصلی جهت رشد سازمان‌ها، توان پاسخگویی به اقتضائات محیطی است (ترک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲) و این پاسخگویی در واقع به نوعی بیانگر انعطاف‌پذیری سازمان (ترک‌زاده و راضی، ۱۳۹۶) و در یک نگاه کلی‌تر، هر سیستم اجتماعی است و دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی نیز به عنوان یکی از سیستم‌های اجتماعی جامعه از این قاعده مستثنی نیستند و باید پاسخگوی انتظارات و توقعات محیط اجتماعی و فرهنگی که در آن قرار گرفته‌اند باشند که با توجه به اینکه فلسفه و نظام ارزشی جامعه برگرفته شده از تعالیم دینی است باید این سیستم‌ها پاسخگوی این اقتضائات باشند لذا از آنجا که یکی از الزامات توسعه الگوی حکمرانی اسلامی و ایرانی، توسعه و تبیین الگوی بومی پاسخگویی مبتنی بر مبانی و آموزه‌های اسلامی است در این پژوهش این مبانی مورد پژوهش و بررسی و احصاء قرار گرفته است و می‌تواند به عنوان مبنایی برای ارزیابی عملکرد سیستم های آموزش عالی در راستای تضمین کیفیت مورد استفاده پژوهشگران دانشگاهی قرار گیرد.

پیشنهادات کاربردی

با توجه به دلایل عقلی و شواهد مرتبط با لزوم توسعه علوم انسانی اسلامی بومی و نیز تجربه حاصل از این پژوهش و قابلیت‌های ساختاری و کارکردی آن برای پاسخگویی در سیستم‌های اجتماعی در طیف وسیعی از سازمانها، می‌بایست زمینه توسعه مفاهیم سازمانی به خصوص مفهوم پاسخگویی با رویکردی اسلامی در کشور فراهم آید تا مسئولان و مدیران بتوانند به نحو بهتر و مطلوب‌تری، نیازها و درخواست‌های ارباب رجوع مرتفع و زمینه اثربخشی و سلامت سازمانی سیستم را فراهم آورند و از این طریق مسیر سازمان‌های خود را به سمت بهره‌وری و تعالی بیشتر در زمینه‌های عملکردی متناسب با فرهنگ بومی و اسلامی سوق دهند. در این راستا موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- کاربست مبانی توسعه یافته توسط مدیران و مسئولان دستگاههای مختلف کشوری و لشکری در تمامی سطوح کلان تا خرد با توجه با تأیید قابلیت‌های ساختاری و کارکردی این پژوهش.

---

[۱]. کلکمْ راعٍ، وَ کلکمْ مَسْؤُولٌ عَنْ رَعِیتِهِ(بحارالانوار، ج۷۲، ص۳۸؛ ارشاد القلوب، ج۱، ص۱۸۴؛ جامع الاخبار، ص۱۱۹؛ مجموعه ورام، ج۱، ص۶؛ منیهٔ المرید، ص۳۸۱).

[۲]. Abbasi et al

[۳]. Scott

۲- لحاظ نمودن مبانی به دست آمده در این پژوهش به عنوان یکی از معیارهای سنجش عملکرد سیستم‌ها و سازمان‌های مختلف به خصوص دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در تأمین رضایت عمومی آحاد مردم و ذی‌نفعان مختلف.

۳- بکارگیری مبانی مفهومی به دست آمده در این پژوهش برای پایش و ارزیابی سیستم‌های مختلف اجتماعی و دانشگاهی از منظر پاسخگویی به ذی‌نفعان و ارباب رجوع.

تحقیقات آتی

۱- بررسی سایر منابع و متون اسلامی در زمینه موضوع این پژوهش(پاسخگویی) و تلاش برای توسعه و تکمیل دانش تولید شده در این پژوهش و ارائه مدل و چارچوب جامع‌تری در این زمینه.

۲- سنجش چارچوب توسعه یافته در این پژوهش در سایر سازمان‌ها و سیستم‌های اجتماعی جهت قوت اعتباریابی به دست آمده در این پژوهش.

۳- بکارگیری چارچوب مفهومی به دست آمده در این پژوهش برای پایش و ارزیابی سیستم‌های مختلف اجتماعی از منظر پاسخگویی به ذی‌نفعان و ارباب رجوع.

منابع

قرآن کریم

اصغری، محمود(۱۳۸۳).نقش پاسخگویی و تأثیر آن در عدالت اجتماعی، *اندیشه حوزه*، شماره ۴۹ و ۵۰

السبزواری .(۱۴۱۷ق). *شرح منظومهٔ*، ج۱، ص۸۷-۸۸، به کوشش حسن زاده آملی، ح. تهران، ناب.

الوانی، س م، امیری، م و احمدی، ک .(۱۳۹۱). از اخلاق اجتماعی سازمانی تا پاسخگویی اجتماعی سازمانی؛ رویکردی جهت استقرار نظام پاسخ‌گویی احتماعی سازمانی در سازمانهای دولتی ایرانی، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال هفتم، شماره ۱، بهار ۹۱.

بازرگان، عباس(۱۳۸۷). *ارزشیابی آموزشی(مفاهیم، الگوها، فرایند عملیاتی)*، چاپ ششم، تهران: سمت.

بهشتی‌راد، رقیه، اردلان، محمدرضا و فراستخواه، مقصود(۱۳۹۷). شناسایی عوامل شکل‌دهنده تضمین کیفیت آموزش عالی ایران، *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، سال هشتم، شماره ۲۳، پاییز ۹۷، صص ۱۹۹۰۱۵۳.

پرداختچی، م ح، بازرگان، ع، آراسته، ح ر و مظفری، گ .(۱۳۹۱). شکاف پاسخگویی بیرونی دانشگاه‌ها از دیدگاه جامعه علمی، *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۶۳، صص ۱۱۲-۹۱.

ترک‌زاده، ج .(۱۳۸۸). روش پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل، روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پربُعد در مسیر توسعه دانش مدیریت اسلامی، *روش‌شناسی علوم انسانی*، س ۱۵، ش ۶۱، صص ۱۴۲-۱۲۳.

ترک‌زاده، ج و راضی، الف .(۱۳۹۶). تحلیل نقش انسجام سازمانی در بهبود کیفیت تصویر بیرونی سازمان با نقش واسطه‌ای توان پاسخگویی به محیط، *دومین کنفرانس بین‌المللی انسجام مدیریت و اقتصاد در توسعه*، تهران، مرداد ماه ۹۶.

ترک‌زاده، ج؛ نکومند، س و دهقان هراتی، ف .(۱۳۹۲). بررسی کارکرد های اساسی سازمان در خدمت به توسعه جامعه و برخی الزامات آن، *فصلنامه توسعه منابع انسانی و پشتیبانی*، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۶۴-۳۹.

تقی‌پور ظهیر، علی و صفایی، طیبه(۱۳۸۸). ارائه مدلی جهت پاسخگویی مدیران آموزش عالی کشور، *آینده پژوهی مدیریت(پژوهش های مدیریت)*، پاییز ۱۳۸۸، دوره ۲۰، شماره ۸۲، صص ۱۲۳- ۱۰۷.

خوش‌سیما، غلامرضا، لوکس، کارو و حاجی باقری، محمود(۱۳۸۳). ارزیابی پاسخگویی در شرکت‌های تولیدی لوازم خانگی ایران با استفاده از منطق فازی، فصلنامه *مطالعات مدیریت صنعتی*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۵.

دهخدا، ع .(۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، چاپ اول، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

شاکری حسین‌آباد، م .(۱۳۹۴). طراحی الگوی پاسخگویی اثربخش در دانشگاه های دولتی، *پایان نامه دکتری مدیریت آموزشی*، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

شریعتی، غ م و کاظمی، م .(۱۳۹۵). بررسی میدان معنایی اطاعت در نظام توحیدی قرآن، *دوفصلنامه قرآن شناخت*، سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۶، صص ۶۲- ۳۹.

عباس‌پور، ع، شاکری، م، رحیمیان، ح و فراستخواه، م (۱۳۹۳). تحقیق کیفی پیرامون پاسخگویی دانشگاه‌های دولتی از دیدگاه خبرگان آموزش عالی، *پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی*، سال اول، شماره ۳، بهار ۹۳، صص ۲۷-۱.

فراستخواه، مقصود(۱۳۸۹). چگونه می‌توان دانشگاه‌های با کیفیت داشت؟، *پیام آموزش*، ۸، صص ۴-۲.

فراستخواه، م .(۱۳۷۷). آموزش عالی در آستانه قرن بیست و یکم (گزارشی از کنفرانس آموزش عالی- ۱۹۹۸)، *نشریه نامه‌ی آموزش عالی*، شماره ۷، ص ۱۲۷.

فقیهی، الف، نجف‌بیگی، ر، و کارگر زنجانی، ع .(۱۳۹۱). نظام پاسخگویی در دانشگاه آزاد اسلامی، *فصلنامه رسالت مدیریت دولتی*، سال سوم، شمار ۵ و ۶، صص ۲۷-۱۵.

فولادی، ح و شفیعی، ع .(۱۳۹۷). پاسخگویی کارگزاران از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج‌البلاغه، *پژوهش‌های نهج‌البلاغه*، سال هفدهم، تابستان ۹۷، شماره ۵۷، صص ۲۰۶- ۱۹۱.

کارگر زنجانی، ع، فقیهی، الف و نجف‌بیگی، ر .(۱۳۹۱). نظام پاسخگویی در دانشگاه آزاد اسلامی، *فصلنامه رسالت مدیریت دولتی*، سال سوم، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان ۹۱، صص ۲۷- ۱۵.

محمدی، رضا، عارفی، محبوبه، بازرگان، عباس و اسحاقی، فاخته(۱۳۹۳). طراحی و الگوی مطلوب ممیزی کیفیت آموزش عالی ایران، *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ۴(۵)، ۱۵۳-۱۱۵.

مرزوقی، ر .(۱۳۹۵). *مبانی و اصول تعلیم و تربیت با نگاهی به تحولات دوران معاصر*، چاپ اول، تهران: آوای نور.

مصباح یزدی، م ت .(۱۳۷۹). *راه راهنماشناسی*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

معین، م .(۱۳۸۸). *فرهنگ لغت فارسی*، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.

مکارم شیرازی، ن .(۱۳۷۴). *فهرست موضوعی تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نبوی، سیدعباس(۱۳۸۳). کالبدشکافی نظری و کاربردی رویکردهای پاسخ گویی در نظام ولایی، *اندیشه حوزه*، شماره ۴۹ و ۵۰.

References

Abbasi, Taimoor Hassan, Kausar, Ambreen, Ashiq, Huma, Inam, Hefza, Nasar, Humara & Amjad, Rabia. (2012). Corporate Social Responsibility Disclosure: A Comparison between Islamic and Conventional Financial Institutions in Bahawalpur Region, *Research Journal of Finance and Accounting*, Vol 3, No 3.

Alina Sandu, Ecaterina; Gheorghe Solomona; Daniela Morarb; Al-Shraah Muhammada. (2014). Considerations on implementation of a social accountability management system model in higher education. *Social and Behavioral Sciences*, 142 169 ˚ 175.

Aluede Oyaziwo, O. Idogho, Philipa, S & Imonikhe, Justina. (2012). Increasing Access to University Education in Nigeria: Present Challenges and Suggestions for the Future, *The African Symposium: An online journal of the African Educational Research Network*, Volume 12, No. 1, and June 2012.

Andersen, H & Lawrie G. (2002). Examing Opportunities for Improving Public Sector Governance Through Better Strategic Management, Conference Paper Presented in PMA Boston,2GC active management publication,www.2gc.co.uk

Barrett. M .etal. (2001). A stakeholders Approach to Responsiveness and Accountability in Nonprofit organization. *Social policy journal of Newzeland*. Issue 17.

Basri, Hasan and Abdul Khalid, Siti Nabiha. (2012). Examining Accounting And Accountability Issues In Religious Context: Insights From Literature, *Aceh International Journal of Social Sciences*, 1 (1): 27 – 35.

Bazargan, Abbas (2001). From Internal Evaluation to Quality Assurance in Higher Education: The Case of Medical Education in Iran; *Journal of Medical Education*.

Behn, R. D. (2001). *Rethinking democratic accountability*. Brookings Institution Press.

Bergsteiner, H., & Avery, G. C. (2008). A generic multiple constituency matrix: Accountability in private prisons. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 19, 631–660.

Bovens, M. (2005). *Public Accountability. In E. Ferlie, L. Lynn & C. Pollit (Eds.), The Oxford Handbook of public managemen*t, Oxford: Oxford University Press, P. 182-208.

Brown, Joshua Travis. (2017). The Seven Silos of Accountability in Higher Education: Systematizing Multiple Logics and Fields, *Research & Practice in A*ssessment, Volume 11, Anniversary Issue, pp. 41-58.

Buese, Daria E. (2005). *TeachingAdmist High-Stakes Accountability: Cases of Three Exemplary Teachers*. University of Maryland.

Burke, J.C., & Associates (2005). *Achieving Accountability in Higher Education: Balancing Public, Academic, and Market Demands*. San Francisco: Jossey-Bass.

Cahyati, Ari Dewi, Risa, Nurma, Alim, Nizarul & Prasetyono. (2019). Formulation of Accountability of Islamic University in Islamic Values Perspective, Global Review of Islamic Economics and Business, Vol. 7,

No. 1 (2019) 028-039.
Creswell, J. W. (2007). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five traditions (2ned) Thousand Oaks*, CA: Sags.
Cutt, J & Murry, V. (2002). *Accountability and Effectivenes Evaluation in nom-profit O*rganizations'. Rouledge is an Imprint of the Taylor, Francis roup.
Dargahi, M. Rezaiian (2007). Correlation between Knowledge, Attitude and Performance of the Employees with Quality Assurance System Implementation by the Employers. *Iranian J Publ Health*, 36 (3), 45-5۱.

Dubnick, M. J. (2005). Accountability and the promise of performance: In search of mechanisms. *Public Performance and Management Review*, 28 (3), 376–417.
Ebrahim, A. (2005). Accountability myopia: Losing sight of organizational learning. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 34 (1), 56.
Ebrahim, A., & Weisband, E. (Eds.). (2007). *Global accountabilities: Participation, pluralism, public ethics.* New York, NY: Cambridge University Press.
European Network for Quality Assurance in Higher Education (2003). Current Trends in European Quality Assurance. Workshop report 8. Helsinki: Finland.
Gourdie, J., Rees, J. (2009). Financial Accountability Relationships between Donors and Recipients in the Non-profit Sector. New Zealand Journal of Applied Business Research 7, 41–54

Hanberger, A. (2009). Democratic accountability in decentralised governance. *Scandinavian Political Studies*, 32 (1), 1–22.

Higher Education and Training Awarding Council Ireland (2011). *Guidelines and Criteria for Quality Assurance Procedures*. Consolidated .Available at: www.hetac.ie/docs/hetac_ guidelines_ criteria_ for_qa_ procedures.pdf.
Higher Education Quality Committee (2007). Institutional Audits Manual. Available at: http: //www. che. Ac. za/documents/d000150/HEQC_Inst_Audits_Manual_Sept2007. Pdf.
Hopkins .M. (2004). Corporate social responsibility: an issues paper. International Labour Office. *Geneva Working Paper*, No. 27.
Johnson,Daniel Duane. (2006). *A Study of the Effects of Test-Driven Accountability on Perceptions of Principals in the Dallas Independent School District*. University of Texas at Dallas Liu,Hong-
Kamaruddin, Muhammad Iqmal Hisham & Auzair, Sofiah Md. (2019). INTEGRATED ISLAMIC FINANCIAL ACCOUNTABILITY MODEL FOR ISLAMIC SOCIAL ENTERPRISE (ISE), The Journal of Muamalat and Islamic Finance Research, Vol. 16, No. 1, June 2019, Pp. 17-36.

Kayode, David Jimoh. (2015). Accountability :A Watchword for University Administration in Nigeria, *The Malaysian Online Journal of Educational Science*, Volume3 - Issue 3,pp. 1-12, at: www.moj-es.net

Laffan, B. (2003). "Audiing & accountability in the European Union". Journal of European Public Policy, ۱۰(۵):۷۶۲–۷۷۷.

Lemaitre, M. J. (2002). Quality as politics. *Quality in Higher Education, 8* (1); 29–37.
Lewis M.K. (2006), "Accountability and Islam", Paper Presented at the Fourth International Conference on Accounting and Finance in Transition, Australia, Adelaide.
Lincoln, Y., & Guba, E. (1985) Naturalistic inquiry. Newbury Park, CA: Sage Publications.
Lingenfelter, Paul (2005); *Accountability and the Money: Testimony for the National Commission on the Future of Higher Education*; State Higher Education Executive Officers.
Linn, R. L. (2000); Assessments and Accountability; Educational Researcher, Vol. 29, No. 2, pp. 4-16.

Maali, Bassam, Casson, Peter and Napier, Cristopher. (2003), "Social Reporting by Islamic Bank", Discussion Paper in Accounting and Finance, University of Southampton, http://www.management.soton.ac.uk/research/publications/ documents/AF03-13.PDF, Downloaded, 10 February 2019.

Maali, B., Casson, P. and Napier, C. (2006) 'Social reporting by Islamic banks', Abacus, Vol. 42, No. 2, pp.266–289.

Maali, Bassam and Napier, Christopher. (2007), "Twenty Five Years of Islamic Accounting Research: A Silver Jubilee Review", Paper Presented at the 5th Asia Pacific Interdisciplinary Perspectives on Accounting Conference, Australia, Auckland.

Massaro, V. (2010). Cui bono? The relevance and impact of quality assurance. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 32 (1), 17-26.

Mccombs, Tyrone Warren, (2003) "The Relationship between Higher Education & State Goverment in Reference to autonomy & Accountability", *New Jersey, www.lib.umi. Com/dissertations/fulcit*

Mohamed, Hussain Etbiga. (2017). Accountability practices in Islamic charities in Scotland A critical and postmodern perspective, PhD thesis of Philosophy, Heriot-Watt University School of Social Sciences.

Mulgan, R. (2000). "Accountability: an ever-expanding concept"? *Public Administration*, 78 (3): 555-573.

Munro &Mouritsen. (1996), Accountability: Power, Ethos & Technologies of Managing, London, International Thomson Business.

Neave, Guy (2001). "Accountability & Control", *European Journal of Education*, Vol 15, No 1.

Nicholson, Nigel. (1995). the Blackwell Encyclopedic Dictionary of Organizational Behavior, Cambridge, Blackwell Business.

Nurunnabi, Mohammad. (2018). Accounting for Accountability: A Critical Reflection on the Private Higher Education in Bangladesh, *Administration & Society*. Vol. 50(3) 429–470.

Pollitt, C. (2003). *The essential public manager*. London: Open University Press /Mc Grow-Hill.

Pollitt, C., & Hupe, P. (2011). Talking about Government the role of magic concepts. *Public Management Review*, 13 (5), 641– 658.

Prisacariu, A. & Mahsood, S. H. (2016). Defining the quality of higher education around ethics and moral values. *Quality in Higher Education, 14* (59), 1-15.

Romzek, B.S, (2000) "Dynamics of Public Sector Accountability in an Era of Reform", *International Review of Administrative Sciences*, V 66, PP 21-44

Rothchild, Mary Todd. (2011). *Accountability Mechanisms in Public Multicampus Systems of Higher Education*. University of Minnesota.

Sarantakos, Sotirios (1998). *Social Research*, ۲nd Ed, Hampshier & London, Mac Millan Press Ltd.

Sofoluwe, Abayomi Olumade , Oduwaiye, Rhoda Olape , Ogundele, Michael Olarewaju & Sulaiman, M. (2005), "Islamic Corporate Reporting, Between the Desirable and the Desired, First edition, Malaysia, International Islamic University Malaysia, Research Centre.

Sułkowski, Łukasz. (2016). Accountability of University: Transition of Public Higher Education, *Entrepreneurial Business and Economics Review*, vol. 4, no. 1. pp. 9-21.

Teresa Speziale, Maria (2012) Differentiating higher education accountability in the global setting: a comparison between Boston University and University Of Bologna; *Social and Behavioral Sciences*, 47, ۱۱۵۳ ۱۱۶۳.

Torkzadeh, Jafar & Nekoomand, Samira. (2015). Validating the Scale of University's Power of Response to Environment, *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, Vol. 5, No. 8, pp.241-252.

Van Damme, D. (1999). *Internationalisation and quality assurance: towards worldwide accreditation*?

Paper commissioned for IAUP XIIth Triennialconference, Brussels. 11-14 Jul, 1999. Available at: http://www.ia-up.org.

Vasilescu, Ruxandra, Barna, Cristina, Epure, Manuela & Baicu, Claudia. (2010)Developing university social responsibility: A model for the challenges of the new civil society. *Procedia Social and Behavioral Sciences* ۲ (۲۰۱۰) ۴۱۷۷-۴۱۸۲.

Vlasceanu. V. L, Grunberg. L. &parlea, D. (2007). Quality Assurance and Accreditation: A Glossary of Basic Terms and Definitions (second edition); Bucharest: UNESCO – CEPES.

Winston III, Edmund W. (2007). *A Process for Measuring Managerial Accountability*. Walden University.

Yaghoubi, Nour Moham mad & Mahboobeh. Rahat Dahmardeh. (2010). Analytical approach to effective factors on organizational agility, Journal of Basic and Applied Scientific,Research,text road publication,Vol.1,www.textroad.com